

## محدودیت‌های آزادی بیان نظام حقوقی ایران

نجوی دریایی جاسکی<sup>۱</sup>، محسن محمودی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

<sup>۲</sup> گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران (نویسنده مسئول)

---

### چکیده

این پژوهش به بررسی محدودیت‌های آزادی بیان در نظام حقوقی ایران می‌پردازد. روش انجام پژوهش توصیفی - تحلیلی است و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است. ابزارهای گردآوری اطلاعات کتب و مقالات تخصصی در این حوزه و سایت‌های اینترنتی معتبر می‌باشد. مسئولیت فردی حق آزادی بیان به معنای آزادی افراد مختلف جامعه در اظهار عقیده و دیدگاه‌های خویش پیرامون مسائل مذهبی و سیاسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق و ارزش‌های اسلامی است که تأثیر بسیار شگرفی در رشد و شکوفایی استعدادهای فردی و تکامل مادی و معنوی جامعه و اصلاح ساختارهای مختلف آن دارد. بر این اساس در جامعه ایران که قوانین آن بر پایه دین اسلام می‌باشد آزادی بیان برای هر فردی از جامعه در محدوده معیارهای اسلامی اعمال می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** حق آزادی بیان، مسئولیت فردی، محدودیت آزادی بیان.

---

## مقدمه

آزادی یعنی قدرت استفاده از استعدادهای ذاتی که خداوند در وجود انسان نهاده است و انسان آزاد کسی است که قدرت به‌کارگیری استعدادهای نهفته در وجود خود را دارد. آزادی به‌صورت گوناگون تجلی پیدا می‌کند. آن‌گونه که بعضی از آزادی‌ها تنها منحصر به فرد در زندگی فردی خصوصی وی است و بعضی مربوط به زندگی اجتماعی و سیاسی وی می‌باشد. از جمله صور آزادی، آزادی‌های سیاسی است که مربوط به آزادی فرد در ارتباط با زندگی سیاسی او و روابط وی با هیأت حاکمه و تعیین سرنوشت سیاسی اش می‌باشد که این آزادی‌ها نیز تابعی دارند، همچون آزادی بیان، آزادی احزاب، آزادی اندیشه و آزادی انتخابات و ... محدودیت واژه ای است که قرار گرفتن آن در کنار آزادی خوشایند به نظر نمی‌رسد، البته برای آنان که می‌خواهند از آزادی سوءاستفاده کنند، این واژه به معنی پیدایش حد و مرز برای آزادی، بدین صورت که آزادی مطلق نیست بلکه نسبی است. به عبارت رساتر تضمین آزادی منوط و مشروط به تحدید آزادی است و پذیرش محدودیت به معنی صرف نظر از آزادی مطلق است که به نفع فرد تمام می‌شود و برای نیل به کمال انسان این حدود در استفاده از آزادی برای افراد و شهروندان الزامی است و عدول از این حدود به منزله ارتکاب جرم سیاسی است. بدین صورت که چنانچه احزاب از حدود فعالیت خود عدول نمایند و یا افرادی مانع برگزاری انتخابات آزاد شوند یا کسی با سوءاستفاده از آزادی بیان به ترویج و نشر افکار و عقاید سیاسی خود بپردازد که سر صحبت آن به عبارتی هدف آن صدمه به دولت و حکومت باشد. در حقوق اساسی ایران هم آزادی بیان و هم آزادی عقیده و فکر امری ضروری برای پیشرفت و توسعه تشخیص داده شده است. هم در متمم قانون اساسی مشروطیت که با الهام از نظریات اندیشمندان حقوق و به تقلید از قوانین اساسی کشورهای عربی، در اصول متعددی (اصول ۹۰، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۶، ۱۸ و ...) آزادی بیان و فکر و مصادیق آن به‌عنوان جزئی از آزادی‌ها و حقوق ملت، آورده شده بود؛ و هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تبعیت از قرآن و سنت و با الهام از دیدگاه علمای اسلامی، آزادی بیان و تفکر و جنبه‌های گوناگون آن پیش‌بینی شده است.

آزادی بیان و فکر در غرب، چه در قوانین اساسی کشورها (مقدمه قانون اساسی ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۷۸۷ و ماده ۱ الحاقی آن)، چه در نظریات سیاسی متفکرین و چه در اعلامیه‌های حقوقی (ماده ۱۰ و ۱۱) اعلامیه حقوق بشر و شهروندان ۱۷۸۹ فرانسه، ماده ۱۸ و ۱۹ و ۲۶ و ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۸ و ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مطرح شده است؛ اما به نظر می‌رسد که بنیاد آزادی بیان و عقیده در غرب بر مبنای حیثیت انسان باشد در حالی که در حقوق اساسی ایران، ریشه در اسلام، قرآن و سنت دارد که انسان موجودی را خدایی می‌داند که برای حرکت به سوی خدا می‌داند که برای حرکت به سوی خدا باید اندیشه و بیان تفکرش آزاد باشد.

## محدودیت‌های آزادی بیان از منظر اسلام

آزادی بیان در تمام دنیا به صورت مطلق نمی‌باشد و هر کشور و هر قومی برای آزادی بیان محدودیت‌هایی لحاظ می‌نماید. به تعبیر بهتر می‌توان گفت اصولی که بتوان به صورت مطلق آن را تأیید کرد، به ندرت یافت می‌شود. درباره آزادی بیان نیز چنین اعتقادی وجود دارد.

جان استوارت میل که تحولی اساسی در لیبرالیسم ایجاد کرد؛ آزادی مطلق را نمی‌پذیرد و در صورت تحریک آمیز بودن آن را مشروع نمی‌داند. وی در این باره می‌نویسد: «وقتی اوضاع و شرایطی که عقاید در آن ابراز می‌گردد، چنان باشد که اظهار

عقیده را به صورت نوعی تحریک برای انجام کاری، مخل مصالح مشروع دیگران در آورد، آن وقت حتی اظهار عقاید هم مصونیت خود را از دست می دهد»<sup>۱</sup>.

لذا می توان گفت که در تمام آموزه ها، محدودیت‌هایی برای آزادی وجود دارد و در اسلام و آموزه های شیعی نیز همین گونه خواهد بود. در ذیل به مجموعه ای از محدودیت ها اشاره خواهد شد.

### محدودیت‌های مذهبی

در آموزه های شیعی ضمن پذیرش آزادی بیان، محدودیت ها و به تعبیری خطوط قرمزی تبیین شده است و نمی توان به بهانه آزادی بیان از آن خطوط قرمز رد شد. چرا که رد شدن از این خطوط قرمز موجب تضعیف مبانی دینی، تحریف، بدعت و توهین به مقدسات می گردد.

قبل از ورود به مباحث فوق و تبیین جایگاه هر یک از موارد ذکر شده لازم است علل رویکرد آموزه های شیعی به این مسائل پرداخته شود. در برخی صفحات اشاره گردیده است که آموزه های شیعی، انسان را موجودی دو بعدی می داند. بعد روحانی و بعد جسمانی. آنچه مهم است روح انسان است و همین روح ماندگار خواهد بود و باید به سعادت برسد. به تعبیر فلاسفه انسان موجودی است که «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء» صفت برجسته اوست. از این رو لازم است که به بعد مادی خود توجه دارد، به بعد معنوی نیز عنایت کافی داشته باشد. عموم اندیشمندان شیعه در این مورد مثال می زنند به امور خوراکی ها. هم اکنون اگر کسی بخواهد موارد خوراکی تولید نماید و به بازار مصرف عرضه کند، باید از چندین مرجع رسمی و صلاحیت دار تأییدیه بگیرد و چنان چه مورد تأیید نباشد، از عرضه آن جلوگیری به عمل می آید. عالمان شیعه معتقد هستند که چگونه می شود که عرضه هر گونه اندیشه اعم از پاک و ناپاک، مخرب و سازنده، هدایت کننده و گمراه کننده و... به بهانه آزادی بیان، آزاد باشد و اگر کسی بخواهد در این زمینه منع و قانونی داشته باشد، متهم به سرکوب آزادی بیان می شود. اندیشمندان شیعه این پرسش را مطرح می نمایند که آیا اهمیت فکر و اندیشه کمتر از اهمیت خوراکی است و یا ارزش معده انسان بیش از ارزش قلب و روح اوست. مستندات آموزه های شیعه، کلام امام حسن مجتبی (ع) است که می فرماید: «عجب لمن یتفکر فی مأکوله کیف لایتفکر فی معقوله فیجنب بطنه ما یؤذیه و یودع صدره ما یردیه» (تعجب است از کسی که در خوردنی های خود دقت می کند، اما در دانستنی های خود دقت نمی کند، در نتیجه جسم خود را از ضررها حفظ می کند، اما روح خود را به پستی می کشاند)<sup>۲</sup>.

### تضعیف دین

آیات متعددی در قرآن وجود دارد که عرضه آزاد اندیشه و افکار را مضر به دین و ایمان مردم می داند و سرانجام ترویج این نوع اندیشه ها را تحیر، گمراهی و بی دینی مردم می داند. در برخی آیات این نوع افکار را افترا بستن به خدا جهت گمراهی مردم می داند و حال آنکه ارائه کنندگان این نوع اندیشه ها، از روی علم و تحقیق سخن نمی گویند و مطالبی علیه دین مطرح می

<sup>۱</sup> - حسینی، ولی الله (۱۳۹۲)، دسترسی آزاد به اطلاعات؛ مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران و اتحادیه اروپا، رساله دکتری حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۵۱

<sup>۲</sup> - بهره مند بگ نظر، حمید (۱۳۸۶)، نقش جریان آزادی اطلاعات در پیشگیری اجتماعی از فساد، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال چهاردهم، ش ۵۸، زمستان، ص ۱۲۷

نمایند که واقعیت ندارد. «فمن اظلم ممن افتری علی الله کذبا لیضل الناس بغیر علم». این آیه دلالت دارد که اسلام و شیعیان، افترا در دین و به خدای متعال و اخلاف در آموزه های دینی که منجر به گمراهی مردم شود، نمی پذیرد.

در آیه دیگری عرضه اندیشه های بی تحقیق و بی مبنا سخنان بیهوده قلمداد شده است که هدف آن گمراه کردن مردم از روی جهالت و کسانی که بدین وسیله مردم را به ضلالت و تحیر می کشند، وعده عذاب الهی خوار کننده داده شده است: «و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین»<sup>۱</sup>.

در جمهوری اسلامی نیز که بر اساس آموزه های شیعی اداره می شود، مفهوم و منطوق آیات قرآنی عمل شده است و رهبر کبیر انقلاب اسلامی، آزادی رسانه های جمعی را در صورتی که موجب اخلال در نظام دینی و ایجاد تردید در باورهای اعتقادی مؤمنان نباشد، تأیید نموده است. او در این باره می گوید: «روزنامه هایی که مضر به حال ملت نباشد و روزنامه هایی که نوشته هایشان گمراه کننده نباشد، آزادند».

### تحریر

در صورتی که دین و آموزه های آنکه صبغه الهی داشته باشد، از جانب خداوند به قلب پیامبران نازل شده است و دارای ویژگی های خاصی می باشد و برای درست درک کردن دین لازم است به سرچشمه وحی که خود پیامبران و اوصیا آنان است، رجوع کرد. در تاریخ و آموزه های شیعی تأکید شده است که دانشمندان این مذهب، به امامان مراجعه می کردند و درباره هر یک از ابهامات خود سؤال می کردند. کتاب های اصول کافی، تهذیب، من لایحضره الفقیه و استبصار که کتب اربعه شیعه می باشند، مملو از این نوع پرسش هاست. ائمه نیز برای درک درست، راهنمایی هایی می نمودند و معروف است که امام صادق (ع) فرموده است: «علینا القاء الاصول الیکم، علیکم التفریع» (برماست اصول و امهات درک دین را بیان کنیم و شما باید آن را فرع، فرع نمایید). اینجاست که اصول استنباط در آموزه های شیعی مطرح می شود و در آموزه های غربی نیز از شلایر ماخر به این سو، هرمنوتیک مطرح شده است. هر چند در هرمنوتیک شلایر ماخر روانکاوی مؤلف مطرح می شود و این نکته فرق اساسی آموزه های شیعی با هرمنوتیک شلایر ماخر می باشد. چرا که در آموزه های شیعی، به هیچ وجه من الوجوه به روانکاوی پیامبر و یا امام پرداخته نمی شود. هر چند این مسئله در مجتهدان و عالمان دین ممکن است محملی برای طرح داشته باشد. به هر روی، کسی که بخواهد دین را فهم نماید باید به اصول استنباط آگاهی داشته باشد. اصول استنباط مقدماتی از قبیل صرف و نحو عربی، منطق و برهان، معنا، بیان، بدیع، رجال، درایه، فقه، اصول و علوم عقلی می طلبد. لذا اگر کسی بخواهد درکی و فهمی از دین داشته باشد لازم است آن مقدمات را طی نماید و در صورت عدم طی طریق، منجر به تحریف و یا بدعت در دین خواهد شد.<sup>۲</sup>

تحریر و بدعت هر دو به معنای جابجا کردن می باشد. حال این جابجایی در سمت و سوی نقصان باشد و یا در کثرت. آموزه های شیعی حاکی از مذمت تحریف کنندگان و بدعت گذاران در دین هست؛ و در قرآن آمده است که «من الذین هادوا یحرفون الکلم عن مواضعه... لکن لعنهم الله بکفرهم فلا یؤمنون الا قليلاً» (یعنی یهود کسانی هستند که کلمات خداوند را از جایگاه خود تغییر داده چون در کفر خود باقی ماند، خداوند لعنت خود را بر آنان فرستاد). از این آیه چنین استفاده می شود که

<sup>۱</sup> - اسماعیلی، محسن (۱۳۹۲)، مبانی ومصداق های آزادی ارتباطات واطلاعات درحقوق واندیشه اسلامی، رسانه، شماره ۹۰، ص ۵۳

<sup>۲</sup> - بهره مند بگ نظر، حمید (۱۳۸۶)، نقش جریان آزادی اطلاعات در پیشگیری اجتماعی از فساد، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال چهاردهم، ش ۵۸،

هر گروه و قومی که به تحریف و تغییر کلمات الهی اشتغال داشته باشد، شامل این آیه می‌شود. به طور مثال در ابتدای انقلاب اسلامی ایران، عده ای واژه «الغیب» در قرآن را که به معنای معاد و رستاخیز عمومی می‌باشد، به معنای رستاخیز و انقلاب محرومان علیه مستکبران تفسیر می نمودند. مرتضی مطهری یکی از ایدئولوگ های انقلاب اسلامی در همان زمان اعلام می کند که کسانی مواضع خود را آشکار و بدون نسبت دادن به دین بازگو می نمایند (تحریف و بدعتی در دین ایجاد نمی کنند) از آزادی بیان برخوردار هستند، اما اگر کسانی که بخواهند در زیر لوای اسلام، افکار و عقاید خودشان را بگویند، ما حق داریم که از اسلام خودمان دفاع کنیم و بگوییم اسلام چنین چیزی نمی گوید، حق داریم بگوییم به نام اسلام این کار را نکنید.

### توهین به مقدسات

اهانت و توهین به آموزه های دینی یکی از محدودیت های آزادی بیان، در آموزه های شیعه محسوب می‌شود. اهانت و توهین به معنای عام می‌باشد و به کلیه موارد توهین و اهانت اطلاق دارد و کیفیت شمول مصداقی توهین و اهانت را حاکم اسلامی تشخیص می دهد. در آیات قرآن مکرر درباره اهانت به آیات الهی از سوی مشرکان و کافران بحث شده و هر بار به آنان وعده عذاب الهی داده شده است و حتی در برخی از آیات خطاب به مسلمین می فرماید که حفظ مقدسات دینی و عدم توهین به حدی است که اگر شما در مجلسی بودید و مشاهده کردید که توهین و افترا صورت می گیرد، لازم است سریعاً آن مجلس را ترک کنید و الا شما نیز مثل آنان خواهید بود «اذا سمعتم آیات الله یکفر بها و یستهزأ بها فلا تقعدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره انکم اذا مثلهم»<sup>۱</sup>.

عدم توهین و اهانت به مقدسات تا حدی است که قرآن خطاب به مؤمنان می گوید: شما نباید به خدایان مشرکان، دشنام و ناسزا بگویید، چرا که آنان به خدای شما از روی جهالت و نادانی دشنام خواهند کرد: «ولا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدوا بغير علم». در آموزه های شیعی کسی که به پیامبر (ص) و ائمه اهل بیت علیهم السلام و حضرت فاطمه (س) که اصطلاحاً چهارده معصوم نامیده می شوند، اهانت و توهین بنمایند، نیز مثل اهانت خداوند و مقدسات دینی خواهد بود و جزای آن را خواهد داشت.

### محدودیت های اخلاقی

در مباحث پیشین عنوان شد که آزادی جزء حقوق اولیه انسانی محسوب می‌شود و خداوند انسان را آزاد خلق کرده است. اصل آزادی انسان در آموزه های شیعی، با اصل دیگری معارضه پیدا می‌کند و آن اینکه آزادی انسان، با اصول اخلاقی معارضه نداشته باشد. بدین سان آزادی بیان در این آموزه ها (از این حیث) وجود دارد، ولی مشروط به اینکه آزادی بیان منجر به تهمت، افشای راز، بدگویی، غیبت و در نهایت ترویج فساد نباشد. در آیات متعدد قرآن کریم، تمسخر، استهزاء، عیب جویی در قالب آزادی بیان نهی شده و حتی القاب خاص بر افراد نهادن را آیات منع کرده است. در ذیل به آیه حجرات اشاره می‌شود که موارد ممنوعه آزادی بیان به طور کامل احصا کرده است که عبارتند از تمسخر، اهانت، عیب جویی، نامگذاری با القاب بد، سوء ظن، تجسس و غیبت:

«یا ایها الذین آمنوا لایسخر قوم من قوم عسی ان یکونوا خیرا منهم و لانساء من نساء عسی ان ینکن خیرا منهن و لاتلمزوا انفسکم و لاتتابزوا بالالقاب بئس الاسم الفسوق بعد الایمان و من لم یتب فاولئک هم الظالمون \* یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا

<sup>۱</sup> - انصاری، باقر (۱۳۸۰)، مطالعه تطبیقی حق دسترسی به رسانه ها، به دادرسی ها و اطلاعات قضائی، نشریه پژوهش حقوق، شماره ۳۵، زمستان، ص ۲۵

کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم و لاتجسسوا و لا یغترب بعضکم بعضا ایحب احدکم ان یأکل لحم اخیه میتا فکرمتموه» و به ترویج کننده آن وعده عذاب داده شده است: «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم». در برخی از کتب روایی، آزادی بیانی که موجب ترور شخصیت مؤمنی بشود را معادل دخول در ولایت شیطان و خروج از ولایت الهی دانسته شده است.<sup>۱</sup>

بر اساس آیات و روایات فوق است که آموزه های شیعه آزادی بیان را به صورت مطلق بر می تابد و در صورتی که این آزادی با میانی اخلاقی سازگار نباشد، به شدت برخورد می کند. امام خمینی بانی و معمار انقلاب اسلامی، پس از پیروزی نهضت خویش، آزادی بیان را محدود در چارچوب های اخلاقی می داند و خروج از آن را جایز نمی شمارد: «آزاد نیستیم که فساد بکنیم، هیچ انسانی، آزاد نیست که کار خلاف عفت بکند، هیچ انسانی آزاد نیست که برادر خویش را اذیت بکنند».

### محدودیت های اجتماعی

آزادی در آموزه های فلاسفه سیاسی عبارت است که هر انسانی بتواند مصلحت خویش را به شیوه مورد نظر خود دنبال کند، مشروط به اینکه به مصالح دیگران، آسیبی نرساند. بدین سان اصل آزادی بیان و یا هر نوع آزادی دیگر افراد، با مصالح جمعی، تحدید می شود. در آموزه های شیعی نیز این تحدید بر اساس عرف شیعیان و مسلمین صورت می گیرد و این مسئله در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز تجلی کافی داشته و با صراحت اعلام می کند که یکی از محدوده های آزادی مطبوعات، اخلاق به حقوق عمومی می باشد. امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی با توجه به فقه شیعی معتقد است که آزادی بیان در صورتی است که قصد اخلاق و براندازی وجود نداشته باشد: «در مملکت ما آزادی اندیشه هست، آزادی قلم است، آزادی بیان است، ولی آزادی توطئه و آزادی فساد کاری نیست. شما اگر توقع دارید که ما بگذاریم بر ما توطئه کنند و مملکت ما را به هرج و مرج بکشند، به فساد بکشند و مقصودشان از آزادی این است، در هیچ جای دنیا هم چون آزادی نیست».<sup>۲</sup>

### محدودیت های آزادی بیان از منظر قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی بر اساس میانی و آموزه های مترقی اسلام «آزادی و کرامت انبای بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می گشاید» و در اصول متعدد آزادی بیان را به رسمیت شناخته و به ضوابط و قلمرو آن پرداخته است:<sup>۳</sup>

۱. در اصل سوم یکی از وظایف دولت را: «تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» بر شمرده است.

۲. اصل نهم؛ «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشهای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند».

<sup>۱</sup> - اسماعیلی، محسن (۱۳۹۲)، میانی و مصداق های آزادی ارتباطات و اطلاعات در حقوق و اندیشه اسلامی، رسانه، شماره ۹۰، ص ۲۹

<sup>۲</sup> - حکیمی تهرانی، محمد مهدی (۱۳۹۱)، آزادی اطلاعات با نگاهی بر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، فقه و حقوق ارتباطات، شماره ۲، ص ۶۱

<sup>۳</sup> - عسکری، عارفه (۱۳۹۲)، محدودیت امنیت ملی بر آزادی اطلاعات در نظام حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشگاه مفید، ص

۳. اصل ۲۴؛ «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن که مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می کند».

۴. اصل ۲۶؛ «احزاب، جمعیتها، انجمنهای اسلامی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند هیچ کس را نمیتوان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».

۵. اصل ۲۷؛ «تشکیل اجتماعات و راهپیماییها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است».

۶. اصل ۱۷۵؛ «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تامین گردد».

بر اساس ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز، آزادی بیان به این حدود، مقید شده است:

۱. مغایر نبودن با اصول و ضوابط شریعت اسلامی.

۲. عدم اهانت و حمله به مقدسات اسلامی و کرامت انبیا.

۳. عدم اخلال در ارزش ها.

۴. برهم نزدن ثبات جامعه و ایجاد نکردن تشّت در جامعه.

۵. عدم تزلزل در اعتقادات.

۶. برانگیخته نساختن احساسات قومی و نژادی.

بنابراین اصل آزادی بیان هم در اسلام و هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی محترم می باشد البته این اصل دارای حدود و شرایطی است که رعایت آنها لازم است، زیرا اگر آزادی بیان به این معنا باشد که هر کس هر چه را صلاح دید، در جامعه مطرح کند، اعم از اینکه به حال جامعه مفید باشد یا مضر و یا سبب گمراهی، فساد، تباهی اخلاق، فتنه و آشوب شود، چنین آزادی بیانی قطعاً به زیان بشر است.

### محدودیت های آزادی بیان از نظر اثر گذاری

تأثیر گذاری و سازندگی در جهت رشد و شکوفایی استعداد های فرد و تکامل جامعه، از اهداف اصلی آزادی بیان بوده که تحقق این مهم، نیازمند توجه به دو اصل مهم و اساسی است که در صورت فقدان هریک از این اصول، آزادی بیان آثاری منفی به دنبال خواهد داشت. این دو اصل عبارتند از:

### اطلاعات کافی و توان علمی بیان کننده

استفاده از آزادی بیان نیازمند داشتن اطلاعات کافی و معتبر پیرامون موضوع مورد بحث می باشد؛ چنانکه قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا؛ و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن؛ زیرا گوش، چشم و قلب، همه مرد پرسش واقع خواهند شد.» (سوره اسراء، آیه ۳۶) و «فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ اگر نمی دانید از آگاهان بپرسید.» (سوره انبیاء، آیه ۷) به صورت منطقی همانگونه که همه نباید پیرامون مسائل

پزشکی یا تجویز یک دارو اظهار نظر کنند و متخلف مجرم و قابل بازخواست است، در بیان مسائل مربوط به علوم انسانی نیز که تعیین کننده سرنوشت انسانهاست، آیا نمی توان قید و شرطی را در مورد صلاحیت و توانایی علمی بیان کننده در نظر گرفت؟ اگر کسی بدون تحقیق در ابعاد وجودی انسان، مطلبی را بنویسد و بگوید و تکرار کند و حتی با جبر نامحسوس زیبایی سخن و قلم، مغزهای مردم را با سخنانش شستشو بدهد، آیا مسئول و مورد بازخواست نیست؟ اگر با دادن اطلاعات نادرست و پخش اکاذیب و شایعه در جامعه، آبروی اشخاص، منافع، مصالح و امنیت یک کشور را با خطر مواجه سازد، چگونه خواهد بود؟

## فضای مناسب و اهلیت مخاطب

حدود آزادی بیان در مجامع علمی با مجامع عمومی متفاوت است:

۱- آزادی بیان در مجامع علمی، در چارچوب ضوابط علمی (عرف رایج اهل علم) آزاد است و هیچ معنی ندارد. به عنوان مثال ابراز عقیده غیر اسلامی و نقد آراء اسلامی در مجامع علمی و در حضور عالمان دین، آزاد است. این آزادی عقیده ابراز عقیده در مجامع علمی نشان دهنده توانمندی و استحکام اندیشه اسلامی در رویارویی با دیگر آراء و آندیشه هاست. بر این اساس اگر کسی به مسایل اسلامی انتقاد دارد یا احساس می کند که بعضی مسایل اسلامی، امروزه جواب گوی عصر و نسل فعلی جامعه نیست. آزادی بیان اقتضا می کند که مسایل را نقادانه و با دلیل و برهان در جمع کارشناسان اسلامی و حوزه های علمیه طرح نماید. و اگر کسی به مسایل پزشکی انتقاد داشت و حتی تز جدیدی برای ارائه دارد، جای طرح آن دانشگاه های علوم پزشکی در جمع کارشناسان همان رشته می باشد.

۲- آزادی بیان در مجامع عمومی، ابراز عقیده و طرح دیدگاهها در محیطهای عمومی که از نظر علمی و تخصصی حالتی نا متناسب با موضوع مورد بحث دارند؛ با رعایت شرایط و ملاحظات متعددی امکان پذیر می باشد. به عنوان نمونه اظهار عقاید دینی در چنین مجامعی مبتنی بر عدم ترویج آراء و نظرات منافی اسلام و پرهیز از تحریف آرای اسلامی است. شرایط یاد شده، متناسب با میزان بلوغ جوامع دینی از سوی عالمان بصیر دین در شرایط خاص زمانی و مکانی تعیین می شود؛ اما اینکه گاهی مشاهده می شود برخی افراد ناآگاه یا با اغراضی خاص مسایلی را که فهم و ارزیابی آنها نیازمند تخصص و کارشناسی است، یا اینکه با منافع و امنیت ملی و مصالح عمومی جامعه مرتبط بوده و قابل انتشار نمی باشد را در مجامع عمومی بیان می کنند، این خود سوء استفاده از آزادی بیان است که با فلسفه و روح آن در تضاد می باشد.<sup>۱</sup>

## نتیجه گیری

اسلام برای آزادی، هویت انسانی قائل است و انسان را دارای استعدادهای فراوان و تمایلات عالی انسانی می داند و همین استعدادها و تمایلات را منشأ آزادی انسان می شمارد و آزادی را بر اساس آن چیزی می داند که تکامل انسانی را ایجاب می کند و آزادی در این دید یک حق انسانی است و ناشی از استعدادهای انسانی و رهائی این استعداد و تمایلات عالی از هر نوع مانع و مزاحم و هموار بودن راه تکامل آن مفهوم صحیح آزادی در مکتب اسلام است.

<sup>۱</sup> - صفایی، حسین، جعفری، علی (۱۳۹۱)، رابطه آزادی اطلاعات باحریم خصوصی، حقوق اسلامی، شماره ۳۳، ص ۱۳۹



یکی از شعب آزادی، آزادی در بیان و قلم و اظهار نظر در مسائل اجتماعی و غیره است و این مطلب در قرآن و سنت پیامبر معلوم و مشهود است. گرچه خلاف آن در جهان اسلام شایع و رایج بوده است و مسلمانان هیچ ارزشی برای این حق خود قائل نبوده اند و در احقاق و حفظ آن جدیت نکرده اند آزادی بیان در اسلام چنان حکمفرما بوده است که پیامبر اشخاصی را که با صراحت و هیچ پروایی حق خود را مطالبه و مواخذه می نمودند جدا می ستود و تشویق می فرمود چون می خواست این حکم را که ضامن تامین حیات با سعادت برای مسلمانان است در بین آن ها باقی بماند و تمام بشر در تمام اعصار به وجود آزادی، عدالت و مساوات در شرع مقدس اسلام پی ببرند و هر صاحب حقی حق خود را شجاعانه و محابا طلب نماید زیرا عمده ترین اصل از اصول ترقی و تعالی وجود آزادی خصوصا آزادی بیان و قلم و مطبوعات است.

البته آزادی بیان در سیره پیامبر اسلام محدودیت‌هایی داشت. وی پس از رسیدن به قدرت به هیچ عنوان برای کسانی که از اسلام انتقاد می کردند حق آزادی بیان قائل نبود و به شدت با آنان برخورد می کرد. نمونه های متعددی از شعری که بر ضد اسلام شعر می سرودند و به دستور پیامبر اسلام به قتل رسیدند در تاریخ ثبت شده است.

آزادی بیان که گرانبهاترین حقوق انسان و سنگ محک تمام آزادی‌ها شناخته شده است، جزئی از نسل اول حقوق بشر و به عبارت دیگر، آن دسته از حقوق بشر که حقوق طبیعی محسوب می شوند، به شمار می رود.

میان آزادی بیان و دموکراسی، رابطه بسیار نزدیکی وجود دارد. این آزادی تنها در دموکراسی تحقق می یابد و دموکراسی نیز بدون آزادی بیان، مفهوم پیدا نمی کند.

#### منابع:

۱. حسینی، ولی الله (۱۳۹۲)، دسترسی آزاد به اطلاعات؛ مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران و اتحادیه اروپا، رساله دکترای حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی
۲. بهره مند بگ نظر، حمید (۱۳۸۶)، نقش جریان آزادی اطلاعات در پیشگیری اجتماعی از فساد، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال چهاردهم، ش ۵۸، زمستان
۳. اسماعیلی، محسن (۱۳۹۲)، مبانی و مصداق‌های آزادی ارتباطات و اطلاعات در حقوق و اندیشه اسلامی، رسانه، شماره ۹۰
۴. بهره مند بگ نظر، حمید (۱۳۸۶)، نقش جریان آزادی اطلاعات در پیشگیری اجتماعی از فساد، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال چهاردهم، ش ۵۸، زمستان
۵. انصاری، باقر (۱۳۸۰)، مطالعه تطبیقی حق دسترسی به رسانه ها، به دادرسی ها و اطلاعات قضائی، نشریه پژوهش حقوق، شماره ۳۵، زمستان
۶. اسماعیلی، محسن (۱۳۹۲)، مبانی و مصداق‌های آزادی ارتباطات و اطلاعات در حقوق و اندیشه اسلامی، رسانه، شماره ۹۰
۷. حکیمی تهرانی، محمدمهدی (۱۳۹۱)، آزادی اطلاعات با نگاهی بر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، فقه و حقوق ارتباطات، شماره ۲
۸. عسکری، عارفه (۱۳۹۲)، محدودیت امنیت ملی بر آزادی اطلاعات در نظام حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشگاه مفید
۹. صفایی، حسین، جعفری، علی (۱۳۹۱)، رابطه آزادی اطلاعات با حریم خصوصی، حقوق اسلامی، شماره ۳۳.